

ذخیره علت ذکر نشدن نام ائمه (ع) در قرآن

آیت‌الله العظمی سبحانی با استناد به آیات و روایات، به این سؤال که چرا نام ائمه شیعه در قرآن نیامده است را پاسخ گفتند.



آیت‌الله العظمی سبحانی با استناد به آیات و روایات، به این سؤال که چرا نام ائمه شیعه در قرآن نیامده است را پاسخ گفتند.

به گزارش خبر حوزه متن سؤال و پاسخ معظمله به شرح ذیل است.

*چرا نام امامان دوازده‌گانه در قرآن مجید نیامده است؟

پاسخ: روش آموزشی قرآن بیان کلیات و اصول عمومی است. تشریح مصادیق و جزئیات غالباً برعهده پیامبر گرامی می‌باشد. رسول خدا(ص) نه تنها مأمور به تلاوت قرآن بود، بلکه در تبیین آن نیز مأموریت داشت، چنان که می‌فرماید:

#171& وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ». [1]

#171& قرآن را بر تو فرستادیم تا آنچه برای مردم نازل شده است، برای آنها بیان کنی و آشکارسازی، شاید آنان بیندیشند».

در آیه یاد شده دقت کنید، می‌فرماید: #171& «لِتُبَيِّنَ» و نمی‌گوید: #171& «لِتَقْرَأَ» یا #171& «لِيَتْلُو» و این نشانه آن است که پیامبر (ص) علاوه بر تلاوت، باید حقایق قرآنی را روشن کند. بنابراین، انتظار این که مصادیق و جزئیات در قرآن بیاید، همانند این است که انتظار داشته باشم همه جزئیات در قانون اساسی کشور ذکر شود. اکنون برخی از روش‌های قرآنی را در مقام معرفی افراد بیان می‌کنیم:

1. معرفی به نام

گاهی وضعیت ایجاب می‌کند که فردی را به نام معرفی کند، چنان که می‌فرماید:

#171& وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ». [2]

#171& (عیسی می‌گوید:) به شما مژده پیامبری را می‌دهم که پس از من می‌آید و نامش احمد است».

در این آیه، حضرت مسیح، پیامبر پس از خویش را به نام معرفی می‌کند و قرآن نیز آن را از حضرتش نقل می‌نماید.

2. معرفی با عدد

و گاهی موقعیت ایجاب می‌کند که افرادی را با عدد معرفی کند، چنان که می‌فرماید:

#171& وَلَقَدْ أَحَدَدَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا...». [3]

#171& و خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرگروه برانگیختیم».

3. معرفی با صفت

بعضی اوقات وضعیت به‌گونه‌ای است که فرد مورد نظر را با اوصاف معرفی کند؛ چنان که پیامبر خاتم را در تورات و انجیل، با صفاتی معرفی کرده است.

#171& الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...». [4]

«کسانی که از رسول و نبی درس ناخوانده‌ای پیروی می‌کنند که نام و خصوصیات او را در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، که آنان را به نیکی دعوت کرده و از بدی‌ها بازشان می‌دارد، پاکی‌ها را برای آنان حلال کرده و ناپاکی‌ها را تحریم می‌نماید و آنان را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و بارهای گران و زنجیرهایی که بر آنان بود، از ایشان برمی‌دارد...».

با توجه به این روش، انتظار این که اسامی دوازده امام با ذکر نام و اسامی پدر و مادر در قرآن بیاید، انتظاری بی جا است؛ زیرا گاهی مصلحت در معرفی به نام است و گاهی معرفی به عدد و احياناً معرفی با وصف.

اگر این اصل را بپذیریم و بگوییم خداوند باید کلیه مسائل اختلاف آفرین را در قرآن ذکر کند، تا مسلمانان دچار تفرقه نشود؛ در این صورت باید صدها مسأله کلامی و عقیدتی و فقهی و تشریحی در قرآن ذکر شده باشد، مسائلی که قرن‌ها مایه جنگ و جدل و خونریزی در میان مسلمانان شده است، ولی قرآن درباره آنها به طور صریح و قاطع - که ریشه‌کن کننده نزاع باشد - سخن نگفته است، مانند:

1. صفات خدا عین ذات اوست یا زاید بر ذات؟

2. حقیقت صفات خبری مانند استوایی بر عرش چیست؟

3. قدیم یا حادث بودن کلام خدا.

4. جبر و اختیار.

این مسایل و امثال آنها هر چند از قرآن قابل استفاده است، ولی آن‌چنان شفاف و قاطع که نزاع را يك سره از میان بردارد، در قرآن وارد نشده است و حکمت آن در این است که قرآن مردم را به تفکر و دقت در مفاد آیات دعوت می‌کند، بیان قاطع همه مسائل، به گونه‌ای که همه مردم را راضی سازد، بر خلاف این اصل است.

* معرفی به نام، برطرف کننده اختلاف نیست

پرسشگر تصور می‌کند که اگر نام امام و یا امامان در قرآن می‌آمد، اختلاف از بین می‌رفت، در حالی که این اصل کلیت ندارد؛ زیرا در موردی تصریح به نام شده ولی اختلاف نیز حاکم گشته است.

بنی اسرائیل، از پیامبر خود خواستند فرمانروایی برای آنان از جانب خدا تعیین کند تا تحت امر او به جهاد بپردازند و زمین‌های غصب شده خود را بازستانند و اسیران خود را آزاد سازند. آنجا که گفتند:

«إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لِهْمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». [5]

«آنان به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما فرمانروایی معین کن تا به جنگ در راه خدا بپردازیم...».

پیامبر آنان، به امر الهی فرمانروا را به نام معرفی کرد و گفت:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا...». [6]

«به راستی که خدا طالوت را به فرمانروایی شما برگزیده است».

با این که نام فرمانروا با صراحت گفته شد، آنان زیر بار نرفتند و به اشکال تراشی پرداختند و گفتند:

«أَتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةَ مِنَ الْمَالِ...». [7]

«از کجا می‌تواند فرمانروایی ما باشد، حال آن که ما به فرمانروایی از او شایسته‌تریم، و او توانمندی مالی ندارد؟...».

این امر، دلالت بر آن دارد که ذکر نام برای رفع اختلاف کافی نیست، بلکه باید موقعیت جامعه، آماده پذیرایی باشد.

چه بسا ذکر اسامي پيشوايان دوازده‌گانه، سبب مي‌شد که آزمندان حكومت و رياست به نسل كشي بپردازند تا از تولد آن امامان جلوگیری کنند، چنان که اين مسأله درباره حضرت موسي رخ داد و به قول معروف:

صد هزاران طفل سر بپريده شد تا كلیم الله موسي زنده شد

درباره حضرت مهدي(ع) که اشاره‌اي به نسب و خاندان ايشان شد، حساسيت‌هاي فراواني پديد آمد و خانه حضرت عسكري(ع) مدتها تحت نظر و مراقبت بود تا فرزندی از او به دنيا نيايد و در صورت تولد، هر چه زودتر به حيات او خاتمه دهند.

در پايان يادآور مي‌شویم: همان‌طور که گفته شد، قرآن به سان قانون اساسي است. انتظار اين که همه چيز در آن آورده شود، کاملاً بي‌مورد است. نماز و روزه و زکات که از عالي‌ترين فرائض اسلام است به طور كلي در قرآن وارد شده و تمام جزئیات آنها از سنت پيامبر(ص) گرفته شده است.

[1] . نحل/44.

[2] . صف/6.

[3] . مائده/11.

[4] . اعراف/157.

[5] . بقره/246.

[6] . بقره/247.

[7] . بقره/247.